

چرا اظهارنظرهایی مشابه آنچه محمدباقر نوبخت درباره صادرات نفت می‌گوید خلاف منطق است؟

# اساتید پاس گل به حریف

**فرهیختگان** فرض کنید عضو یا هوادار یک تیم فوتبال هستید و بعد از مشقت‌های فراوان و مشکلات متعدد توانسته‌اید در یک تورنمنت مهم و سطح اول به فینال برسید، رقیب‌تان اما متمول است و نامدار و اهل رانت و زدوبند و هزوغ بد اخلاقی، با این حال با تمام توان ایستاده‌اید و پایایی جلو می‌روید. اگر در چنین شرایطی مخصوصا در دقایق پایانی بازی یکی از بازیکنان تان به‌جای بازی هوشیارانه اشتباه کند پاس گل زیبایی به مهاجم حریف بدهد، چه حالی پیدا می‌کنید؟ مری، دیگر بازیکنان و کادر فنی چه حالی خواهند داشت؟ چه بلایی سر هواداران تیم می‌آید؟ اصلا تیمی می‌ماند تا بازی را به‌پایان برساند؟ حتما می‌رسید این حرف‌ها چه ربطی به صفحه سیاسی دارد؟ می‌گوییم خیلی مربوط است، این‌بار حسایی مربوط است. نگاهی به رسانه‌های بیگانه و ضدانقلاب بیندازید تا ببینید طی ۲۴ ساعت گذشته چه استقبال گرمی از اظهارات محمدباقر نوبخت شده است و چگونه عبارتی ناشایسته از سخنگوی سابق دولت را به تیتیر یک رسانه‌هایشان تبدیل کرده‌اند؛ عبارتی که نه از سوی یک مسئول یا مدیر میانی حتی ارشد که از سوی نزدیک‌ترین فرد به حسن روحانی و رئیس دستگاه برنامه و بودجه کشور بیان شده و همین نیز ضریب خبر را چندبرابر کرده است.

محمدباقر نوبخت، معاون حسن روحانی و رئیس سازمان برنامه و بودجه روز پنجشنبه در نشست اعضای شورای توسعه و برنامه‌ریزی همدان گفت: شدیدترین مرحله تحریم نفت دربرابر غذا بود، اما الان در شرایطی هستیم که این بی‌انصاف‌ها و دژخیمان حتی برای غذا و دارو اجازه فروش یک قطره نفت را نمی‌دهند و اگر هم بفروش می‌رسد، امکان تبادل مالی نباشد. «عبارتی عجیب و شگفت‌انگیز که حتی به‌فرض محال اگر واقعیت هم داشته باشد، دلیلی برای بیانش وجود ندارد و تبعات سنگینش می‌تواند دامنگیر کشور شود. عبارتی که ۲۴ ساعت است به هر نحوی که شده رسانه‌های ضدانقلاب آن را بازتشر و توزیع می‌کنند. البته نوبخت در همان سخنرانی تلاش کرده در جملات قبل و بعد ضرب این جمله را بگیرد و توضیحاتی را درباره این مساله بیان کند، نظیر اینکه «این تحریم برای دیگر

## گفت‌وگو

علیرضا شیخ‌عطار در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## با «تحریف»، تحریم‌ها را تشدید نکنید

تحلیل‌کنند، نه‌فقط اینکه درآمدی داریم که از آن محروم می‌شویم یا کالایی به کشور می‌آید و از آن محروم می‌شویم، بلکه به‌عنوان یک حمله دشمن برای نابودی کلیت نظام است.

**قبلا روحانی از خزانه خالی و گره زدن آب خوردن مردم به مذاکرات صحبت کرده بود، بر فرض اگر بخواهیم درصد مذاکره برآیم این اظهار ضعف‌ها چقدر خطرناک است؟**
اصل مذاکره باید تعریف شود. از ابتدا که اجازه مذاکره در قالب ۵+۱ داده شد نه یک بار بلکه مکرر، نه فقط توسط مقام‌مظهم‌رهبری بلکه توسط دلسوزان دیگر گفته شد که این مذاکره صرفا درچارچوب مسائل هسته‌ای است؛ یعنی ماچندسال در دوره‌دولت قبلی مذاکره کردیم. برجام توافقی بین قدرت‌های جهانی و ایران و یک سندی بود که در آن یک حقوقی را برای ما متصور بود و آنها در قبال ما تعهداتی داشتند. ما هم تعهداتی را دادیم. لذا در این سند مذاکره معنا ندارد.

پس از اینکه آمریکا از این توافق بیرون آمد باز هم مذاکره معنا نداشت یعنی قانون جنگل قرار نیست حاکم شود. بالاخره در جهان وقتی چندین قدرت تاثیرگذار توافق می‌کنند یعنی پایه‌ای برای ادامه راه آنها می‌شود و نقشه راه آینده روابط این کشورها می‌شود. در این صورت مذاکره معنایی ندارد.

**مذاکره با آمریکا بعد از خروج این کشور از برجام بی‌معناست**

اگر یک عضو از این توافق بیرون آمده باید تا زمانی که برنگشته تحت فشار باشد تا به همان توافقی برگردد که یک‌بار امضا شده است؛ لذا مشخص نیست مذاکراتی که برخی مطرح می‌کنند یا شایعه می‌اندازند منظور چیست؟ اگر قرار باشد تخطی و تخلف از یک سند بین المللی را به رسمیت بشناسیم بی‌تردید در جهان سنگ‌روی سنگ بند نمی‌شود. به‌عبارت دیگر نمی‌توان روی هیچ توافقی، چه توافق شورای امنیت و چه توافقی که در قالب دوجانبه یا چندجانبه بین کشورها صورت می‌گیرد، حساب کرد. به شرایط قرن ۱۵ میلادی برمی‌گردیم که هیچ پایه توافقی وجود نداشت.

این درحالی است که از قرن ۱۸ و ۱۹ به‌تدریج سیاست‌هایی همچون سیاست توازن و به رسمیت شناختن دولت‌ها و ملت‌ها و امثال اینها پایه‌گذاری شد و بعد از جنگ اول جهانی، جامعه ملل درست شد و شکست خورد و پس از جنگ دوم جهانی سازمان ملل درست شد. این سازمان‌ها پایه‌هایی در روابط بین الملل و حقوق بین‌الملل هستند، بنابراین اگر قرار باشد به خاطر قلدری یک کشور و ضعف اراده برخی مدیران خود این موضوع را سست کنیم باید بساط روابط بین‌الملل و حقوق بین‌الملل و ملاک‌ها و معیارها را تعطیل کنیم. بنابراین اصل مذاکره امری نادرست است زیرا اتفاقی که رخ داده از جنس قلدری است. یعنی یک توافقی بعد از هزاران ساعت مذاکره و صحبت امضا شده و یک کشوری یا یک رئیس جمهوری روی قلدری آن را به‌هم زده است. این یعنی نیاز به مذاکره نیست. اگر بخواهیم شبیه‌سازی کنیم همان موضوع تجاوز صدام به ایران به ذهن متبادر می‌شود.

**انعطاف به بهانه مذاکره خیانت به آرمان‌های بشری است**

وقتی صدام به ایران تجاوز کرد از ابتدا کشورهای مختلف از غیرمتعهدها، کنفرانس اسلامی، سازمان ملل و... می‌گفتند مذاکره کنید و کوتاه بیایید اماحرف امام(ره) این بود وقتی کسی خاک ما را تصرف کرده و این خاک در تصرف او است مذاکره معنایی ندارد. بنابراین اگر قرار باشد به بهانه مذاکره بخواهیم انعطاف نشان دهیم، خیانتی به آرمان‌های بشری است و حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل را بی‌ارزش کرده‌ایم.

# سیاست

## ۲



نگاه کنیم به همان حرف سعید لیلاز می‌رسیم که مذاکره درشرایط کنونی فقط جاده صاف‌کن دردهاست. او چندی پیش گفته بود که «مذاکره مجدد با آمریکا نه‌تنها چیزی به ملت ایران نمی‌دهد، بلکه راه دزدی را برای دزدان هموار می‌کند. کارگر کف خیابان یا کشاورز هیچ چیزی از مذاکره با آمریکا گیرش نمی‌آید و این یک توقع نایجاست که خیال کنیم با مذاکره مجدد به‌طور مثال تورم حل می‌شود. این استدلال البته از جانب بسیاری از کارشناسان اقتصادی و بین‌المللی هم مطرح است و دلایلی زیادی در این خصوص اقامه شده است. دلایلی سیاسی ازجمله اینکه درشرایط ضعف و زیر فشار تنها نتیجه ورود به مذاکره پذیرفتن حرف رقیب است یا اینکه تیم دونالد ترامپ و حتما شخص او نه منطقی دارند و نه اهل استدلالند و با چنین افرادی امکانی برای گفت‌وگو نیست. اینها علاوه‌بر این است که خیلی‌ها معتقدند عبور از این‌گرده چندماهه که احتمالاتا پایان پاییز ادامه دارد، می‌تواند برای همیشه مشکل ما با تحریم را مرتفع سازد و شرایط جدیدی را پیش‌روی کشور قرار دهد. دلایل اقتصادی هم البته زیاد است، می‌توانید رجوع کنید به گفت‌وگوی «فرهیختگان» با سعید لیلاز در شماره یازدهم اردیبهشت‌ماه که او با استناد به مساله کاهش قیمت نفت و فناوری‌های نوین در صنایع جهان و چندمساله دیگر توضیح می‌دهد مشکل اصلی ایران مدیریت است، نه تحریم و مذاکره با آمریکا در شریط کنونی هیچ‌منطقی اقتصادی‌ای ندارد.

**ایراد بنیادین است**

با توضیح یک نکته مهم و بازخوانی چند اظهارنظر پیشین از اعضای اصلی دولت‌های یازدهم و دوازدهم می‌توان استنتاج کرد که مشکل بنیادی‌تر از سهو لسان یا اشتباه یک عضو دولت یعنی محمدباقر نوبخت در تشخیص یک مساله است. به‌واقع باید گفت به‌فرض اینکه مذاکره هم

الهام امین‌زاده در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## اظهار ناتوانی مقابل آمریکا اشتباه‌راهبردی است

الهام امین‌زاده، معاون حقوقی رئیس‌جمهور در دولت یازدهم و کارشناس مسائل بین‌الملل است. برای بررسی اظهارات و مواضع ضعیف مسئولان درباره عدم صدور نفت و تبعات چنین مواضعی به‌سراغ او رفته‌ایم؛ مشروح گفت‌وگوی امین‌زاده با «فرهیختگان» در ادامه آمده است.

**در خصوص صحبتی که اخیرا نوبخت و برخی دولتی‌ها داشتند مبنی‌بر اینکه نمی‌توانیم یک قطره نفت هم صادر کنیم، آیا چنین مواضع و اظهاراتی نشان‌دهنده ضعف کشور و درصورت مذاکره خطرناک نیست؟**

درباره مواضع افرادی که مسئولیتی دارند و سخنگوی نظام هم محسوب می‌شوند، این اظهارات صحیح نیست، به‌خصوص اینکه در زمان مذاکره پیام ضعف بدهیم؛ این درحالی است که می‌دانیم فروش نفت در کشور ما و بین کشورهای مختلف جهان امر محالی نیست و راه‌های بسیار متنوع و متفاوتی برای آن وجود دارد.

**صحبت از ناتوانی در صدور نفت در زمان تلاش آمریکا برای صدور قطعنامه اشتباه است**

لذا هر نوع پیامی که طرف مقابل و غربی‌ها و کسانی که منتظر دریافت آمارهایی، چه صحیح و چه غلط، هستند تا متوجه شوند تحریم‌ها چقدر اثر کرده است و در کجا و به چه نحوی اثر داشته، اشتباه راهبردی است و جامعه هدف را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد، لذا این مسائل صحیح نیست، به‌خصوص در برهه‌ای که آمریکا در شورای امنیت تلاش می‌کند تا قطعنامه تحریم یا سیستم ماشه را فعال کند.

کسانی که در دستگاه دیپلماسی مسئولیت مذاکره را برعهده داشتند، می‌دانند در زمانی که مذاکرات برجام را انجام می‌دادند، با اقتداری که داشتند توانستند حداقل‌هایی در برجام اعمال کنند.

**اظهار ضعف مسئولان مخالف مذاکره موفق و عزتمندانه است یعنی با چه مولفه‌هایی؟**

اقتدار و توانمندی هسته‌ای کشور، اقتدار دفاع‌موشکی، اقتدار نفتی و توان اقتصادی کشور و سرمایه انسانی چهار مولفه قدرت بود که وجود داشت و هریک را بخواهیم معامله کنیم یا کوتاه بیاییم و در این خصوص اظهار ضعف کنیم، قطعاً مذاکره موفق و عزتمندانه نخواهیم داشت.

**هر نوع اظهار ضعفی مذاکره برای مذاکره ایجاد می‌کند**

**دو جنس موضع‌گیری برای مذاکره اشتباه است، به‌طور مثال قبلا گفته‌شد برای آب خوردن خود هم نیاز به مذاکره داریم که یعنی سطح نیازمندی ما بسیار بالاست و دیگر اینکه بگوییم نمی‌توانیم نفت صادر کنیم یا گفته شود خزانه خالی است. به فرض اینکه بخواهیم مذاکره کنیم، آیا این نوع مواضع راه‌مذاکره و توافق خوب را نمی‌بندد؟**
صددرصد باعث فشار بیشتر می‌شود، چون هر نوع اظهار ضعفی می‌تواند